

شیوه آموزش خوشنویسی از گذشته تا قاجار

مجید غلامی جلیسه *

چکیده

این مقاله ضمن اشاره به چگونگی شکل‌گیری هنر خوشنویسی از ابتدای اسلام در ایران و قاعده‌مند شدن کاتبان و مردمان به این هنر، به شیوه‌های سنتی آموزش خوشنویسی پرداخته و پس از آن شیوه آموزش این هنر و چگونگی آن در دوره قاجار را ترسیم می‌نماید. **

درآمد

آموزش هنر در ایران را می‌توان به دو دوره قبل و بعد از قاجار تقسیم نمود؛ چرا که قبل از آن شیوه آموزش کاملاً بر اساس شاگردی و استادی و سینه به سینه بود و استاد بر این اساس فوت و فن هنر خود را بر پایه شایستگی و لیاقت در اختیار شاگردش قرار می‌داد. در دوره قاجار با ورود صنعت چاپ و چندی بعد با ایجاد مدارس نوین، آموزش شیوه نوینی یافت و از این زمان به بعد ما شاهد تحولی شگرف در سیستم آموزش کشور هستیم؛ تحولی که پایه بسیاری از پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... در کشور قرار گرفت.

در این میان هنر خوشنویسی نیز از این قاعده مستثنی نبود. خط، به عنوان اولین و مهم‌ترین هنر در مدارس جدید، همواره مورد توجه و عنایت برنامه‌ریزان درسی آن دوران بود. در این مقاله سعی بر این است که ضمن اشاره به شیوه‌های آموزش خوشنویسی و سابقه آن در ایران به معرفی شیوه آموزش این هنر در مدارس جدید در دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی و تأثیر چاپ در گسترش این هنر بپردازیم.

* پژوهشگر متون کهن

** با تشکر از آقای رجبیان، رئیس محترم کتابخانه فیضیه، به جهت در اختیار قرار دادن برخی منابع از مجموعه شخصی خود.

پیشینه آموزش خوشنویسی تا عصر قاجار

نمی‌توان گفت که از بدو پیدایش خط، تکمیل و زیبایی‌سازی آن مورد توجه نبوده است، هر چند عده‌ای قرن اول هجری را دوره تکوین و قرن دوم را دوره تفریع خط عربی دانسته و می‌گویند که به تحسین خط در این دو قرن توجهی نشده و فقط در اواخر قرن دوم هجری است که ذکری از خوشنویسی به میان آمده است. (فرادی، تیر ۱۳۴۷: ۴۴).

اما به نظر می‌رسد این نظر به هیچ روی پشتوانه علمی ندارد؛ چرا که با بررسی قرآن‌های خطی و اسناد و اوراق به جای مانده از دو قرن اولیه اسلام می‌توان به سهولت مشاهده نمود که آثار کتابت شده در این دو قرن با وجود ابتدایی بودن خطوط و عدم پختگی آن، مترتب قاعده‌اند. از باب نمونه در نگارش حرف «الف»، این حرف در پایین کمی به سمت راست نگاشته می‌شود و این مقوله در جای جای آثار کتابت شده رعایت شده است و همچنین حروف در این آثار متمایل است. اینها از جمله ویژگی‌های بارز قرآن‌های این دوره به حساب می‌آیند (تصویر شماره ۱).^۱



تصویر شماره ۱: برگه‌ای از نسخه خطی قرآن کتابت شده در قرن اول هجری قمری موجود در کتابخانه بریتیش میوزیوم به شماره MS. Or. 2165-A

با نگاهی کلی به نسخ خطی به جای مانده از قرون اولیه، می‌توان وجوه مشترک فراوانی را مشاهده نمود که خود حاکی از قاعده‌مندی کتابت در این دوران است؛ هرچند این قواعد بسیار ابتدایی هستند اما دلیلی محکم بر دقت نظر کاتبان سده‌های نخستین بر حسن خط و قانون‌مند نمودن آن است.

گفتار عتابی (د: ۲۲۰ق.)، از کاتبان و شاعران اواخر سده دوم و اوایل سده سوم، نیز شاهی بر این کلام است: «اول الكتابه حسن الخط الذی هو لسان الید»، یعنی اولین چیز در کتابت، خط زیباست چراکه خط زیبا دست است (بغدادی، ۱۹۷۳: ۶۵). اشاره به این نکته مهم در کتابت از جانب عتابی دلیلی روشن بر ارزش گذاری کاتبان سده های ابتدایی بر اهمیت حسن خط است. کاتبان از همان ابتدا دریافته بودند که برای کتابت، نیازمند وضع قواعدی هستند که هم خوانش خط بر خوانندگان آسان گردد و هم خط چشم نواز گشته و زیبا جلوه نماید. وجود حروف یکسان و تمیز آنها از یکدیگر، عدم منقوط بودن خطوط، وجود علامات و نشانه ها و...، که خواندن متون کتابت شده را دشوار می نمودند، همگی دست به دست هم داد تا کاتبان رغبت هرچه بیشتری در راستای قانونمند نمودن کتابت داشته باشند.

اولین تلاش ها در نگارش درسنامه کتابت و خوشنویسی که اطلاع از آنها حاصل شده، مربوط به نیمه قرن سوم هجری و با نام *الکتاب وصفه الدواء والقلم وتصريفها تألیف ابوالقاسم عبدالله بن عبدالعزيز بغدادی* (د: بعد از ۲۵۶ق.) است. این کتاب از فصول مختلفی تشکیل شده است و تقریباً هیچکدام از بخش های آن در خصوص قواعد کتابت و آموزش شیوه خوشنویسی نیست. مؤلف در این رساله بیشتر به نیازهای کاتب و همچنین تاریخچه کتابت پرداخته است و به نوعی می توان از آن به عنوان اولین تذکره کاتبان یاد نمود.^۲ بعد از ابوالقاسم بغدادی رساله های مختلفی چون *ادب الکاتب* از ابن قتیبه (د: ۲۷۶ق.)، *الرساله العذراء* از ابراهیم بن مدبر (د: ۲۷۹ق.) و *ادب الکتاب* نوشته ابی بکر صولی (د: ۳۳۵ق.) تا نیمه قرن چهارم قمری به نگارش درمی آید، اما در هیچکدام به قواعد و آموزش خوشنویسی اشاره ای نمی شود.

در ایران نیز وضع بدین منوال بود در سده های نخستین، که خط عربی به صورت مهمانی تازه وارد و ناخوانده به ایران پا گذاشت، به هنر خوشنویسی کمتر توجهی می شد. زیرا ایرانیان به خط عربی نیز چون خود اعراب به چشم بیگانگان می نگریستند. از اواخر سده دوم و آغاز سده سوم، این وضع دگرگون شد. روی کار آمدن عباسیان به وسیله ایرانیان و رنگ ایرانی گرفتن خلافت عباسی و قدرت یافتن برامکه، ایرانیان را به خط تازه علاقمند ساخت و حس بیگانگی با آن رو به کاهش رفت (سمسار، ۱۳۸۳: ۱۷۲).

اولین تلاش در نگارش قواعد خوشنویسی، که می توان از آن به عنوان اولین رساله آموزشی خوشنویسی نیز یاد نمود، کتاب *الخط والقلم* ابن مقله است. (تصویر شماره ۲)

نسخه‌ای از این کتاب به خط ابن‌مقله در کتابخانه دارالکتب مصر نگهداری می‌شود (عواد، ۱۹۸۲: ۱۳۹). همچنین این رساله به تصحیح هلال ناجی ضمن کتاب *ابن مقله خطاطا و ادبیا و انسانا* منتشر شده است.



تصویر شماره ۲: رساله الخط والقلم نگارش ابن مقله

ابوعلی محمد بن علی بن حسین بن عبدالله بغدادی (۲۷۲-۳۲۸ ق.)، نامدار به ابن مقله، ادیب، خوشنویس، مبتکر و مبدع خطوط مختلف و وزیر عباسیان بوده است،^۳ که به خلیفه المقتدر و برادرش، ابوعبدالله حسن، خدمت می‌کرد. وی در اواخر دوره امویان و عباسیان، که استفاده از الفبای عربی در مصر، شمال آفریقا و ایران بیشتر رواج پیدا کرد و سبک‌های تازه نگارش از خط نسخ و کوفی گسترش یافت، می‌زیست. آنها چهارده شیوه برگزیدند؛ با رواج استفاده از قلم و مشخص نمودن اشکال هندسی حروف و گذاشتن دوازده قانون ضروری خوشنویسی، نظم و ترتیب خاصی برای این هنر تدوین کردند. در نظامی که آنها برای نوشتن با دست ترتیب داده بودند، مهم‌ترین و عمده‌ترین اجزای کار استفاده از خطوط صاف (مسطح) و دوایر (دور) بود.

ابن مقوله در این رساله به دو مقوله می‌پردازد: اولین مقوله ظاهر زیباست (حسن تشکیل) که با اندازه، گردی، راستی، بلندی و کوتاهی حروف و نیز لاغری و ضخامت خط، افقی و عمودی یا مایل بودن آن مرتبط است. دومین مقوله، صفحه‌آرایی مناسب (حسن وضع) است که اتصال حروف قابل اتصال، موقعیت‌های حروف جدا از هم، فاصله بین کلمات (طرز مجاورت)، فواصل بین خطوط (نظام)، کشیدگی (مد)، جهت تساوی سطور و مانند اینها را در بر می‌گیرد. جنبه‌های این دو اصل با هم ترکیب می‌شوند و روی سطر یا خط کرسی قرار می‌گیرند. این دو اصل عمده جهت اصول و تناسب به کار گرفته می‌شوند (یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۲).

ابن مقوله با وضع این قوانین نقش مهمی در انتقال دانش خوشنویسی به نسل‌های بعد ایفا نمود؛ به گونه‌ای که بعد از وی تمامی تلاش‌های اساتید این فن بر پایه این قوانین انجام می‌پذیرد. ابوالحسن علی بن هلال بغدادی (د: ۴۱۳ق.)، معروف به ابن البواب، از جمله خوشنویسانی بود که یک رشته قواعد جدید به آن ۱۲ قانون سستی افزود و در این میان توجه خاصی به قلم‌تراشی و مرکب برداری داشت. وی اصلاحاتی در خط ثلث، نسخ و رقاع به وجود آورد و تمرین اندازه‌گیری حروف را با نقطه‌گذاری، جهت رسیدن به اندازه استاندارد کلمات از لحاظ ارتفاع و کشیدگی یا اندازه دوایر ابداع کرد (یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۳). دو قرن بعد جمال‌الدین ابوالمجد یاقوت مستعصمی (د: ۶۹۶ق.) دست به اصلاح شش گونه خط زد (ثلث، نسخ، ریحان، توقیع، رقاع و محقق). این ۶ خط به سته یاقوتی معروف گشت و به عنوان خطوط اصل در نظر گرفته شد و کم‌کم جای خطوط دیگر، به جز خط کوفی، را گرفت (یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۳).

بعد از وضع قوانین، تلاش‌های فراوانی در جهت تکمیل هرچه بهتر خط صورت پذیرفته و در این خصوص تألیفات مختلفی به نظم و نثر سامان یافته است. متن‌هایی که در در موضوع خوشنویسی به جای مانده در برگیرنده مطالبی چون کاغذ، قلم، صحافی، مرکب، آداب منشی‌گیری و کتاب و... هستند.^۴ در خصوص محتوای و روش آموزشی چه قبل و چه بعد از دوره قاجار بسیاری از اصول از گذشتگان به ما رسیده است و تنها شیوه‌ها و روش‌های آموزشی و سیستم‌های آموزشی است که طی قرون متمادی تغییر نموده است.

شیوه‌های آموزش

متأسفانه در اولین گام برای فراگیری دانش خواندن و نوشتن، خط به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود و بعد از آن خوشنویسی به عنوان یک هنر، با توجه به استعداد و

علاقه اشخاص مورد پیگیری قرار می‌گیرد. این نگاه از دیرباز تا دوره قاجار در ایران مطرح بوده و تنها از این دوران به بعد است که با شیوع خوشنویسی، ورود مدارس جدید و تلاش بزرگانی چون کلهر، عمادالکتاب، برادران قدسی، زرین خط، محمد صانعی و... خوشنویسی به عنوان یکی از دروس مدارس جدید در سیستم آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرد، که در بخش‌های بعدی به تفصیل در خصوص آن به صحبت خواهیم پرداخت.

اصول اولیه آموزش خوشنویسی

به‌طور کلی آموزش خوشنویسی، جدای فراگیری قواعد و قوانین، از همان ابتدا مبتنی بر رؤیت، تمرین و تکرار بوده است. در روایتی منسوب به امیرالمؤمنین آمده است که: «ان حسن الخط مخفی فی تعلیم الاستاد وقوامه فی کثره المشق و ترکیب المركبات و بقائه علی المسلم فی المنهیات و محافظه الصلواه واصله فی معرفت المفردات» (قلیچ خانی، ۱۳۷۳: ۲۶۴) یعنی زیبایی خط در آموزش استاد مخفی است و پختگی آن منوط به مشق زیاد و ترکیب مرکبات است. برای مسلمانان منوط به دوری از منهیات و محافظت بر نماز است. و اصل حسن خط در شناخت مفردات است.

تعلیم استاد، تمرین زیاد، ترکیب مرکبات و شناخت مفردات چهار اصل مهمی است که در این روایت بدان اشاره شده است و البته ترکیب مرکبات و شناخت مفردات نیز از اجزای همان دو اصل اول، یعنی تعلیم استاد و تمرین زیاد، است.

ورای تلمذ نزد استاد، این مشق خط است که شاگرد را در تقویت قلم کمک می‌نماید، و این قاعده از گذشته تا به امروز نیز پابرجاست. مشق را باید حقیقتاً بن‌مایه اصلی در آموزش خوشنویسی به‌شمار آورد. از لحاظ لغوی مشق عبارت است از تمرین و تکرار بسیار کاری که سبب ملکه شدن گردد. اما در اصطلاح خوشنویسی، هرگاه هنرجو برای به‌دست آوردن مهارت در خوشنویسی، به تکرار و تمرین بپردازد، اسم این عمل مشق نامیده می‌شود. البته در خوشنویسی مشق را در معنای عام نوشتن نیز به کار برده‌اند. (قلیچ‌خانی، ۱۳۸۷: ۳۴۶).

اساتید فن مشق را به صورت کلی به دو نوع مشق نظری و قلمی (عملی) تقسیم‌بندی نموده‌اند. هرچند برخی مانند باباشاه اصفهانی قائل به نوع سوم از مشق با نام مشق خیالی نیز هستند (قلیچ‌خانی، ۱۳۸۷: ۳۴۶).

سلطان علی مشهدی در تعریف انواع مشق آورده است:

بر دو نوعست مشق و نهفتم با تو ای خو برو جوان گفتم
قلمی خوان یکی دگر نظری نبود این سخن منی و مری

(قلیچ خانی، ۱۳۸۷: ۳۴۶)

اولین شیوه از مشق را باید مشق نظری دانست، چرا که اولین مرحله از یادگیری نگاه کردن و دیدن است. و این شیوه مشق در طول آموزش و حتی بعد از آموزش نیز همواره مدنظر هنرجو خواهد بود، مشق نظری را باباشاه اصفهانی این گونه تعریف نموده است: «و آن مطالعه کردن خط استادست و فایده او آنست که کاتب را بکیفیات روحانی خط آشنا کند و نقل فاسد از کتابت کاتب زائل کند و سرعت کتابت از آن بحصول پیوندد، و اولی آنست که مبتدی را یکچند این مشق بفرمایند تا طبع او به لذات روحانی متعلق شود، بعد از آن مشق قلمی فرمایند و در ایام مشق قلمی هم این مشق می باید کرد» (قلیچ خانی، ۱۳۸۷: ۲۱۸). آشنایی با کیفیات روحانی خط، آشنایی با اشتباهات خوشنویسی، افزایش سرعت، افزایش علاقه و تشویق هنرجو از جمله فواید مشق نظری است که بابا شاه اصفهانی به آنها اشاره نموده است.

در منشآت سلیمانی در خصوص این روش از مشق آمده است: «می باید مشاق ملاحظه خطوط استادان نموده، طور و روش هر یک که او را خوش آید، هر روز مکرر به دقت و تأمل تمام نظر به خط استاد کنند تا صورت کلمات در ضمیرش نقش بندد و تعلیمات از آن فراگیرد و از روی آن خط به نحوی که در فصل بعد مذکور است مشق کند» (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۴).

مشق قلمی و یا عملی نوشتن از روی سرمشق و دریافتن نکات و ظرایف خط می باشد (قلیچ خانی، ۱۳۸۷: ۳۴۷). بابا شاه اصفهانی در تعریف این نوع از مشق می گوید: «و آن نقل کردنست از خط استاد، بدان که مبتدی را ناچارست از آنکه اول مفرداتی کبیر از خط استاد بدست آورد و نقل کند و بر هیأت هر حرف بوضع واضح واقف شود، و اگر نقل میسر نشود فائده علمی در مفردات کبیر کافیت بهر حال، و بعد از آن مرکبات مختصری پیدا کند که کمتر از صد بیت نباشد» (قلیچ خانی، ۱۳۸۷: ۲۱۸).

در منشآت سلیمانی در تعریف این نوع از مشق آمده است: «و آن نقل خط استاد است، مبتدی باید که اولاً، از روی مفردات حروف که به خط استاد باشد مشق کند. بدین طریق که از ابتدای مفردات شروع و هر سطر خط استاد را یک هفته یا دو هفته، که هر روز پنجاه

سطر اقلأ می نوشته باشد، به دقت تمام مشق کند، و سعی بلیغ نماید که خطش خط استاد شود. و چون مفردات تمام شود مرکبات حروف را و بعد از آن کلمات را بدین گونه بنویسد، و بدون آنکه خط استاد در نظر داشته باشد چیزی ننویسد. و همیشه خط یک استاد در نظر داشته، هر روز از روی خطی ننویسد که مضرت دارد، تا خط او صورت یابد و بعد از آن کتابت کند» (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۵).

با توجه به آنچه گذشت می توان مشق علمی را به سه مرحله زیر تقسیم نمود: ۱. مشق مفردات حروف، ۲. مشق مرکبات، ۳. مشق کلمات.

اولین گام در مشق شناخت مفردات حروف است، در این مرحله اساتید، با زیر نظر گرفتن نومشقان، نقش بسیار مهمی در فراگیری هرچه بهتر و سریع تر اصول خوشنویسی را دارند. اساتید جهت آشنایی هنرجو با حروف به صورت جداگانه از روش های مختلفی استفاده می نموده اند. به نظر می رسد از جمله قدیمی ترین روش ها در این خصوص معرفی حروف به وسیله دایره است. مثلاً دایره ای رسم می کنند و با توجه به قسمت دایره و محیط آن، با توجه به مثلث، مربع و مخمسی که در داخل آن ایجاد می شود شکل حروف را مشخص می نمایند. مثلاً قطر دایره را هفت نقطه گرفته و قد «الف» و «با» و اخوات آن را به قدر قطر می گذارند. و یا برای سر «با» و اخوان آن یک نقطه از محیط و دایره «جیم» و «عین» و اخوان آن را نصف محیط گرفته اند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۴).

گاهی برای معرفی حروف از مثلث، مربع، مخمس و مدور استفاده می کنند، چنانچه برای معرفی «الف»، «لام» و «کاف» مسطح و «با» و اخوات آن از شکل مربع به بهره برده اند و سرهای «میم»، «واو»، «فا» و «قاف» از مثلث و سر «جیم» و دامن «میم» و دامن «واو» از مخمس ترسیم می شود (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۴).

یکی دیگر از روش های قدیمی در آموزش حروف استفاده از نقطه و خط است به نظر می رسد که این روش از جمله خدماتی است که ابن بواب (د: ۱۳ق.) به جامعه هنر خوشنویسی نموده است. این روش تمرین اندازه گیری حروف با نقطه گذاری است. که هدف از آن روش رسیدن به اندازه استاندارد کلمات از لحاظ ارتفاع و کشیدگی (مثل الف و لام) یا اندازه دوایر (مثل قاف و نون) است (یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۲).

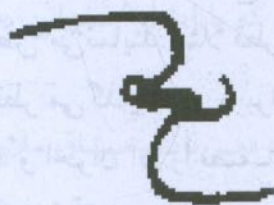
این شیوه از گذشته تا کنون، مرسوم بوده و یکی از بهترین شیوه های آموزش خوشنویسی به هنرجویان است. مثلاً سر حرف «جیم» در نستعلیق را دو نقطه و نیم گویند و میان دایره آن را پنج نقطه، و چون از سر آن خطی کشند به سینه آن بر

اے بے باغ و بہار
سے ص ص طاعن
و بے گد لیل
اے بے باغ و بہار

تصویر شماره ۴: استفاده از نقطه گذاری برای آموزش حروف در خوشنویسی



تصویر شماره ۳:
حرف را به شیوه تشبیهی



تصویر شماره ۵: حرف
فی به شیوه تشبیهی



تصویر شماره ۶: آموزش حرف «یا»



تصویر شماره ۷: آموزش سر «یا»
و سر «عین»

می‌خورد و چون به انتهای دایره آن دو نقطه بگذارند و خطی کشند به زیر دایره بر می‌خورد. (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۴) (تصویر شماره ۳).

شیوه تشبیهی نیز از جمله روش‌هایی است که به نظر می‌رسد از گذشته‌ای دور مرسوم بوده است. اولین بار در کتاب منشآت سلیمانی به این شیوه اشاره شده است، لیکن این روش در دوره قاجار و حتی تا به امروز نیز برای نوآموزان بسیار پرکاربرد است. در این شیوه حروف را به حیوانات و یا اشیائی تشبیه می‌کنند، مثلاً حرف «راء» نستعلیق را به کبکی تشبیه می‌کنند که می‌دود (تصویر شماره ۴) و یا «فی» را در نسخ به مرغابی تشبیه می‌کنند که در میان آب است (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۴) (تصویر شماره ۵).

گاهی نیز از خود حروف استفاده می‌شود، مثلاً برای معرفی سر «یای» نستعلیق می‌گویند که آن نصف دامن «یا» است. (تصویر شماره ۶) و همچنین در آموزش سر «یاء» و «عین» در نسخ که متصل هستند می‌گویند که باز «یا» و «عین» به هم می‌رسد. (تصویر شماره ۷)

از گذشته مرسوم بوده است که اساتید برای فراگیری خوشنویسان سرمشقی به نگارش درآورده تا نومشقان با نگاه کردن آن عیناً خط استاد را تکرار نماید. این مرحله آموزش از جمله مهمترین مراحل یادگیری برای نومشقان بحساب می آمده است. باباشاه اصفهانی معتقد است که هنرجو باید اولاً، در مشق قلمی از روی خط استاد به تمرین بپردازد و ثانیاً، تا

مدتی بجز مشق قلمی مشق دیگری نباید انجام دهد، تا خط او آشنای منقول عنه شود. میزان مشق قلمی از نظر باباشاه اصفهانی به صورت روزانه ۱۰۰ بیت است. (قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳: ۲۱۹) در منشآت سلیمانی میزان مشق بسته به نوع خط تعیین شده است، هنرجو اگر نستعلیق‌نویس است، هر روز حداکثر پنجاه بیت کتابت نماید اما اگر نسخ‌نویس، امکان تمرین بیشتر است (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۵).

مشق خیالی نیز از جمله انواع مشق شمرده شده است و در تعریف آن باباشاه اصفهانی این‌گونه بیان داشته است: «آن است که کاتب، کتابت کند نه به طریق نقل، بلکه رجوع به قوت طبع خویش نماید و هر ترکیب که واقع شود. فایده این مشق آن است که کاتب را صاحب تصرف کند و این مشق چون بسیار بر مشق قلمی غالب شود، کتابت بی‌مغز شود و اگر کسی به مشق قلمی عادت کند و از مشق خیالی گریزان باشد، بی‌تصرف شود و او خواننده‌ای باشد که تصنیف نتواند کرد و در مشق قلمی تصرف کردن مجوز نیست» (قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳: ۲۳۶).

در حقیقت در این شیوه منظور باباشاه اصفهانی تقویت نمودن قدرت ابداع و ابتکار هنرجو است و اینکه هنرجو صرفاً نباید مقلد بوده و از روی آثار اساتید و قدما مشق نموده و تقلید نماید، بلکه باید ضمن تمرین و ممارست بر یادگیری این هنر از خود خلاقیتی نشان دهد.

تا پیش از دوره قاجار و راهاندازی مدارس جدید، سیستم آموزش عمدتاً شاگردی و استادی بود، حتی در مکتب‌خانه‌ها، که تنها نهاد آموزشی دوره‌های مختلف حتی قاجار به شمار می‌رفتند، باز آموزش خط مبتنی بر همین سیستم آموزشی بوده است. آغاز درس از الفبا بود و نخستین متن‌ها از سوره‌های کوچک انتخاب می‌شد (تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۲۹). در همین زمان بود که کودکان با دست‌نوشته‌ها و خطوط آشنا می‌شدند و به قول خوشنویسان، از طریق آموزش بصری مشق نظری می‌نمودند. اولین قطعات و نسخه‌های خطی که چشمان شاگردان چه در خانه و یا مکتب‌خانه و مسجد بدان آشنا می‌گردید نسخه‌های خطی کلام‌الله مجید بودند. اما کمتر پیش می‌آمد که در مکتب‌خانه خوشنویسی آموزش داده شود. آموزش این هنر را عمدتاً هنرجو باید در خارج از مکتب‌خانه و نزد اساتید این هنر به صورت خصوصی فرا می‌گرفت.

عشق و علاقه شاگرد و صد البته همت و شاگردپروری استاد بن‌مایه آموزش هنر خوشنویسی بوده و هست و عمدتاً شاگردانی موفق به پیشرفت در این هنر می‌شدند که خواب و خوراک بر خود حرام کرده و گاهی رنج سفر بر خود هموار نموده و زانوی شاگردی پیش استاد بر زمین زده و سال‌ها تمرین و تکرار نموده تا بتوانند به قله‌های اوج این هنر دسترسی پیدا نمایند. به قول سلطان‌علی مشهدی:

ترک آرام و خواب باید کرد وین ز عهد شباب باید کرد
سر به کاغذ چو خامه فرسودن زین عمل روز و شب نیاسودن
ز آرزوهای خویش بگذشتن وز ره حرص و آز برگشتن
نیز با نفس بد جدل کردن نفس بد کیش را زدن گردن

(قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳: ۲۷)

آموزش خوشنویسی در عصر قاجار

عصر قاجار را باید رنسانس فرهنگی ایران دانست، چرا که در این عصر با باز شدن دروازه‌های ایران به روی تجار و سیاستمداران خارجی و رفت و آمد آنها و همچنین مسافرت ایرانیان به کشورهای اروپایی با سرعتی قابل توجه انواع آثار و اسباب تمدن وارد ایران گردید. از جمله این آثار، که از همان ابتدای حکومت قاجار مورد توجه قرار گرفت، می‌توان به صنعت چاپ اشاره نمود. که همین صنعت خود مسبب تحولات عدیده در دیگر بخش‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... گردید.

استاد جلال‌الدین همایی از جمله مختصات بارز این قرن را احیاء خط نستعلیق به سعی و اهتمام محمدشاه قاجار (د: ۱۲۶۴ق.) دانسته است (همایی، ۱۳۷۵: ۷۲). در اوایل قرن ۱۲ق.، میرزای علی نیریزی خط نسخ را به مرتبه بالایی از زیبایی و کمال رساند و در انتهای همین قرن، با ظهور درویش، شکسته نویسی رواج پیدا نمود. به همین جهت در اوایل قرن ۱۳ق.، نستعلیق مهجور و متروک ماند و کمتر کسی تمام تلاش خود را مصروف این نوع خط می‌کرد در همین زمان بود که با تشویق‌های محمدشاه قاجار این خط رواج گرفت و خوشنویسان بزرگی در این شیوه ظهور کردند. به‌طور کلی می‌توان قرن ۱۳ق. را تجلی‌گاه هنرمندان بزرگ خط در ایران دانست، بزرگانی چون وصال شیرازی، نشاط اصفهانی، غلام‌رضا اصفهانی، امیرنظام گروسی، عبدالرحیم افسر اصفهانی، اسدالله شیرازی،



تصویر شماره ۵: استاد خوش‌نویس باشی با شاگردان (خودآموز خوشنویسی ایران، ۱۱۴)

غلام‌علی اصفهانی، زین‌العابدین اشرف‌الکتاب اصفهانی، سید گلستانه، میرزای کلهر و ده‌ها هنرمند معروف دیگر از جمله خوشنویسانی بود که به همت ایشان چراغ پرفروغ این هنر در این قرن برافروخته شده بود. شاگردپروری این بزرگان، از جمله عواملی بود که خوشنویسی را در این دوره از فخامت خاصی برخوردار نمود.

مدارس جدید

به نظر می‌رسد برای اولین بار مدرسه دارالفنون به عنوان یکی از اولین و مهم‌ترین پایگاه آموزشی در کشور به صورت کاملاً حرفه‌ای آموزش خوشنویسی را در دستور کار خود قرار می‌دهد. برای اولین بار به سال ۱۳۱۷ق.، نیز کتاب رسم‌المشق عماد‌الکتاب، با هدف آموزش هنر خوشنویسی، در این مدرسه نگارش شد و مورد استفاده قرار گرفت. هر چند سال‌ها پیش از این تاریخ نیز در مکتب‌خانه‌ها و مدارس ضمن آموزش مفردات و مرکبات به دانش‌آموزان خوشنویسی نیز تعلیم داده می‌شد و از ابتدای کلاس اول، تعلیم خط در دستور کار معلمان بود^۵ اما به نظر می‌رسد که تدریس خط و خوشنویسی در مدارس از ابتدای سال ۱۳۲۷ق.، در دستور کار وزارت معارف قرار گرفته و در کتابچه دستور مدارس ابتدائیه که به سال ۱۳۲۷ق. /



۱۲۸۸ش. به تصویب رسیده، بیان شده که از سال دوم محصلین مشغول به فراگیری خط نمایند. بدین صورت که در سال دوم ابتدایی، «مشق خط جلی» (دستور مدارس ابتدائیه، ۱۳۳۷ق: ۳)، در سال سوم ابتدایی، «مشق خط جلی» (دستور مدارس ابتدائیه، ۱۳۳۷ق: ۵) و در سال چهارم ابتدایی، «خواندن تحریرات شکسته و نوشتن آن» (دستور مدارس ابتدائیه، ۱۳۳۷ق: ۱۰) تدریس می‌شد. مطابق همین، مشق خط از سال دوم تا چهارم در هر هفته ۲ ساعت باید صورت می‌پذیرفته است. (دستور مدارس ابتدائیه، ۱۳۳۷ق: ۲۱).

در سال ۱۳۴۲ق. ۱۳۰۳ش، یعنی پانزده سال بعد، در دستور تعلیمات شش ساله مدارس ابتدایی ذکور، که در چهارمین جلسه شورای عالی معارف در روز دوشنبه سال ۱۳۰۳ شمسی به تصویب رسیده بود، دانش‌آموزان در سال اول، صرفاً به کتابت می‌پرداختند، که عبارت بود از نوشتن حروف و کلمات و عبارات مأخوذه از دروس بطریق رونویسی (دستور تعلیمات شش ساله مدارس ابتدائی ذکور، ۱۳۰۳: ۳). اما از سال دوم، به غیر از کتابت، مشق خط به نستعلیق درشت در دستور کار قرار می‌گیرد. (دستور تعلیمات شش ساله مدارس ابتدائی ذکور، ۱۳۰۳: ۷) در سال سوم، نیز مشق «نستعلیق درشت»، (دستور تعلیمات شش ساله مدارس ابتدائی ذکور، ۱۳۰۳: ۱۱)، در سال چهارم، «مشق درشت و ریز نستعلیق»، (دستور تعلیمات شش ساله مدارس ابتدائی ذکور، ۱۳۰۳: ۱۷)، در سال پنجم، «مشق درشت و ریز (تحریر)» (دستور تعلیمات شش ساله مدارس ابتدائی ذکور، ۱۳۰۳: ۲۳) و در سال ششم، آموزش «مطابق سال قبل» (دستور تعلیمات شش ساله مدارس ابتدائی ذکور، ۱۳۰۳: ۲۹) انجام می‌گیرد.

تصویت این دست از قوانین و الزام مدارس و معلمان به آموزش خوشنویسی به دانش‌آموزان نقش غیر قابل انکاری در شیوع این هنر در جامعه آن دوران دارد. اما فی نفسه این قانون به تنهایی نمی‌توانست تاثیر قابل نفوذی در فراگیری این هنر داشته باشد و قطعاً شیوه آموزش و در کنار آن استادان و ابزار آموزشی نقش بسیار مهمتری در توسعه هنر خوشنویسی در جامعه آن دوران داشتند.

صنعت چاپ

در سال ۱۲۳۳ق.، اولین کتاب با نام رساله جهادیه تألیف عیسی بن حسن قائم مقام فراهانی (د: ۱۲۳۷ق.) به شیوه چاپ سربی در شهر تبریز چاپ و منتشر گردید. از این تاریخ

به بعد، چرخ صنعت چاپ در ایران شروع به حرکت نمود. صنعت چاپ هرچند در آغاز راه بسیار کند بود، اما همین حرکت آهسته مایه نگرانی بسیاری از کاتبان و خوشنویسانی گردید که تا پیش از این، با کتابت و خوشنویسی گذران عمر می کردند. در بدو امر از منظر خوشنویسان با ورود صنعت چاپ، فاتحه این هنر و کسب و کار خوشنویسان خوانده می شد که این حقیقت با ورود صنعت چاپ سربی تقریباً عملی بود. اما دیری نگذشت که در سال ۱۲۴۹ق.، و با ورود صنعت چاپ سنگی به یکباره ورق برگشت و صنعت چاپ توانست به عنوان یکی از حامیان مهم این هنر، در جامعه آن روزگار تبدیل گردد.^۶

تا پیش از این کاتبان هیچ نقشی در تولید کتاب های چاپی نداشتند، اما در شیوه چاپ سنگی کاتبان، به عنوان یکی از مهم ترین پدیدآورندگان آثار چاپی، مورد توجه قرار گرفتند؛ چرا که در این شیوه چاپ ابتدا توسط کاتبان نسخه ای از کتاب با جوهر چرب مخصوص کتابت شده و سپس این نسخه برای تکثیر بر سنگ منتقل می شود. بدین نحو بود که اولاً بازاری تازه برای خوشنویسان مهیا گردید و ثانیاً چاپ کتاب به خط این خوشنویسان بدل به تبلیغ ارزشمندی برای هنر آنها شد. تا پیش از این خوشنویسان با کتابت اثری تنها می توانستند عده ای محدود را مستفیض نمایند اما با انتشار کتاب های چاپ سنگی، که گاهی تا ۱۲۰۰ نسخه تکثیر می شد و در نقاط مختلف کشور و حتی جهان پخش می گردید، این هنر در اختیار بسیاری از علاقه مندان قرار می گرفت.

صنعت چاپ توانست از حیث دیگری نیز موجب تقویت هنر خوشنویسی گردد و آن چاپ و انتشار کتب آموزشی خوشنویسی بود. اولاً فی نفسه چاپ هر اثری به قلم خوشنویسان می توانست مورد استفاده علاقه مندان به این هنر قرار بگیرد و به قولی سرمشقی برای کتابت باشد؛ چرا که تا قبل از این دسترسی به خطوط اساتید و تمرین از روی آنها بسیار دشوار بود و حال آنکه صنعت چاپ این معضل را به سادگی حل نمود. از طرف دیگر خوشنویسان پی بردند که می توانند با استفاده این صنعت در گسترش هرچه بیشتر هنر خوشنویسی قدم بردارند. انتشار کتب آموزشی در این خصوص از جمله اقداماتی بود که توسط علاقه مندان به این هنر در دوره قاجار مورد استفاده قرار گرفت. به نظر می رسد برای اولین بار در کشور هند شاهد انتشار این نحو از آثار هستیم. که از این میان می توان به کتاب *قطعات العجوة* هر نوشته عبدالرحمن بن محمد روشن شاکرین (۱۲۶۱ق.) اشاره نمود که در سال ۱۲۷۰ق. در چاپخانه مصطفائی گانپور به چاپ رسیده

است. این کتاب در آموزش خط نسخ عربی به نگارش درآمده است. همچنین کتاب دیگری با نام *هفت ضابطه* نوشته علی نقی بن حشمت علی ساندی که بارها در هند به چاپ رسیده و ضابطه اول آن در کیفیت تحریر خط است. این کتاب برای اولین بار به سال ۱۲۶۲ق. در چاپخانه حسنی میرحسن رضوی به چاپ رسیده است. بعد از این تاریخ کتاب‌های متعددی در آموزش خط نسخ و نستعلیق در شبه قاره به چاپ رسیده است.^۷



تصویر شماره ۶: آموزش گرفتن قلم به دست در کتاب *کتابچه مکتبخانه* منتشره به سال ۱۳۱۰ق.

در ایران نیز برای اولین بار شروع این مهم با انتشار کتاب *آداب المشق* میرعماد به سال ۱۳۰۸ق. اتفاق می‌افتد. هرچند در بسیاری از کتب آموزش مکتب‌خانه‌ای به واسطه آموزش حروف مفردات و مرکبات این اتفاق به صورت ناخواسته می‌افتاد.

در فهرست زیر کلیه کتاب‌هایی که در خصوص آموزش خوشنویسی در دوره قاجار به چاپ رسیده بر اساس ترتیب سال نشر با مشخصات کامل ذکر می‌گردد.

۱. *آداب المشق*: نویسنده: حسنی قزوینی، میرعماد (۹۶۱-۱۰۲۴ق.)، کاتب: قزوینی، زین‌العابدین بن محمدشریف (قرن ۱۴ق.)، تهران: چاپخانه محمدتقی بن عبدالمحمد تهرانی، نستعلیق، ۴۷ ص، جیبی، ۱۳۰۸ق.

کتابشناسی: در صحت انتساب این رساله به میرعماد، خوش‌نویس نامدار عصر صفوی، تردید است. به نوشته نویسندگان *نامه دانشوران ناصری*، فروشنده‌ای به قصد سودجویی بیشتر در دیباچه آن تصرفی روا داشته و با اندک تغییری آن را به نام میرعماد به دلیل شهرت او در خوشنویسی، کرده است و در حقیقت این همان رساله باباشاهی اصفهانی عراقی، متخلص به حالی، (د: ۹۹۶ق.) است. این کتاب مشتمل بر شش فصل به قرار زیر است: فصل اول: کاتب باید از صفات ذمیمه دوری جوید؛ فصل دوم: بیان اجزای خط؛ فصل سوم: تعریف مشق و آداب آن؛ فصل چهارم: چگونگی قلم و تراشیدن آن؛ فصل پنجم: مرکب ساختن و فصل ششم: تربیت کردن کاغذ و اقسام آن و شیوه رنگ‌آمیزی و آهار مهره کردن (منابع: [بیاض، ملی، مسجد اعظم]).

۲. *آداب المشق*: نویسنده: حسنی قزوینی، میرعماد (۹۶۱-۱۰۲۴ق.)، کاتب: قزوینی، زین العابدین بن محمدشریف (قرن ۱۴ق.)، تهران: چاپخانه مشهدی خداداد باسمه‌چی تهرانی، نستعلیق، ۴۵ ص، جیبی، ۱۳۱۷ق.
- کتابشناسی*: این رساله به ضمیمه *نصایح الملوک فی السیر والسلوک* به چاپ رسیده است (منابع: [بیاض، آستان قدس، آستانه، دائرةالمعارف، دانشگاه تهران، فیضیه، مجلس، مرعشی، مسجد اعظم، ملک، ملی]).
۳. *رسم المشق*: نویسنده: عمادالکتاب سیفی، محمدحسین بن محمد (۱۲۸۴-۱۳۵۵ق.)، تهران: بی‌چا، ۳ج، رقعی، ۱۳۱۷ق.
۴. *نامه موبد*: نویسنده: موبد بیدگلی کاشانی، عبدالعلی بن محمدباقر (قرن ۱۴ق.)، کاتب: حسینی طالقانی، جعفر (قرن ۱۴ق.)، تهران: بی‌چا، جیبی، نستعلیق و نسخ، ۳۰۲ ص، جیبی، ۱۳۱۹ق.
- کتابشناسی*: مؤلف به دلیل آموزش به دانش‌آموزان ابتدایی و دبستانی این کتاب را جهت تعلیم خط نستعلیق و در موضوعات مختلف تحت عنوان «آگاهی» به نگارش درآورده است. این رساله به ضمیمه نسخ *موبد* به چاپ رسیده است (منابع: [بیاض، مجلس، مسجد اعظم، ملی]).
۵. *نسخ موبد*: عنوان فرعی: *نامه نسخ موبد، الفبای نسخ*، نویسنده: موبد بیدگلی کاشانی، عبدالعلی بن محمدباقر (قرن ۱۴ق.)، کاتب: حسینی طالقانی، جعفر (قرن ۱۴ق.)، تهران: بی‌چا، جیبی، نستعلیق و نسخ، ۳۲ ص، جیبی، ۱۳۱۹ق.
- کتابشناسی*: این رساله جهت تدریس و تعلیم الفبای خط نسخ توسط مؤلف نگارش یافته است و آموزش آن به دانش‌آموزان توصیه شده است. این رساله به ضمیمه *نامه موبد* به چاپ رسیده است (منابع: [بیاض، مجلس، مسجد اعظم، ملی]).
۶. *احیاء الخط کوفی*: نویسنده: شریف صفوی خویی، زین العابدین بن فتح‌علی، ملقب به فخر الاشراف (قرن ۱۴ق.)، تهران: چاپخانه سیدمرتضی باسمه‌چی تهرانی، رحلی، ۱۳۲۳ق.
- کتابشناسی*: در این رساله کوتاه قواعد الفبای خط کوفی به نگارش درآمده است. این کتاب در ضمیمه قرآنی به خط کوفی به چاپ رسیده است (منابع: [آستان قدس، مشار، ملی]).
۷. *رسم المشق*: عمادالکتاب سیفی، محمدحسین بن محمد (۱۲۸۴-۱۳۵۵ق.)، تهران: بی‌چا، ۳ج، رقعی، ۱۳۲۳ق.

۸. *آداب المشق*: نویسنده: حسنی قزوینی، میرعماد (۹۶۱-۱۰۲۴ق.)، کاتب: خویی تبریزی، حسین (قرن ۱۴ق.)، به اهتمام: شیرازی تهرانی، احمد بن محمدعلی (قرن ۱۴ق.)، تهران: بی‌جا، ۶۳ ص.، ۱۳۲۸ق. (منابع: [مجلس]).

۹. *کلید نگارش*: نویسنده: مجدالدین، تهران: چاپخانه حاجی عبدالرحیم باسمه‌چی؛ چاپخانه مرکزی، رقعی، ۲۰ ص.، نستعلیق، ۱۳۳۷ق.

کتابشناسی: این کتاب در جمع آوری اقلام مختلف به دست وزارت معارف توسط مؤلف و جهت آشنایی دانش‌آموزان و هنرجویان جمع آوری شده است. طی آن به معرفی اجمالی خطوط محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع، رقاع، تعلیق، نستعلیق، شکسته، شکسته تعلیق، طغری و تحریر پرداخته شده است (منابع: [بیاض، ملی، مسجد اعظم]).

۱۰. *آداب الخط*: نویسنده: محمد صانعی، تهران: چاپخانه علمی، رقعی، بی‌تا.

کتابشناسی: جزوهای شبیه به *رسم‌المشق* عمادالکتاب است که البته مؤلف سعی نموده شیوه خود را متفاوت از وی نشان دهد از باب نمونه نقطه‌گذاری حروف و یا بیان توضیحات در باب نگارش کلمات و حروف از جمله بخش‌هایی هستند که این کتاب را نسبت به *رسم‌المشق* عمادالکتاب متمایز می‌نماید. متأسفانه از این جزوه به جز یک نسخه تاکنون نسخه دیگری به دست نیاورده‌ام و تعداد مجلدات و سال چاپ آن مشخص نیست (منابع: [بیاض، مسجد اعظم]).

رسم‌المشق عمادالکتاب

در میان آثاری که ذکرش گذشت و نویسندگان آن اهتمامی جدی در آموزش هنر خوشنویسی در آن آثار به خرج داده‌اند کتاب *رسم‌المشق* عمادالکتاب از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. به گونه‌ای که حقیقتاً می‌توان نسل بعد از وی را وامدار عمادالکتاب و کتاب وی دانست. برای اولین بار به سال ۱۳۱۷ق.، وی توانست اولین *رسم‌المشق* چاپ خویش را تدوین کند. این *رسم‌المشق*، که با ابجد و هوز شروع می‌شود، با روش تحلیلی مفردات و سپس با ترکیبات ساده خط نستعلیق ادامه پیدا می‌کند و به خط نستعلیق و شکسته خاتمه می‌یابد. در دارالفنون آن زمان مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما از آنجا که خط استاد مدام در حال پیشرفت بود *رسم‌المشق* دیگری را در سال ۱۳۲۳ق.، در سه دفتر تهیه کرد، که آن هم به نوبه خود کاستی‌هایی داشت و پس از چندی جای خود را به دفاتر

سی و شش گانه‌ای داد که مخصوص کلاس سوم تا ششم بود. *رسم‌المشقی* جدید برای آموزش خط نستعلیق و شکسته نستعلیق روش جدیدتری را ارائه داده بود و به نظر می‌رسد از *رسم‌المشقی*‌های انگلیسی و لاتینی الگوبرداری شده بود (شکراللهی، ۱۳۸۵: ۷۸).

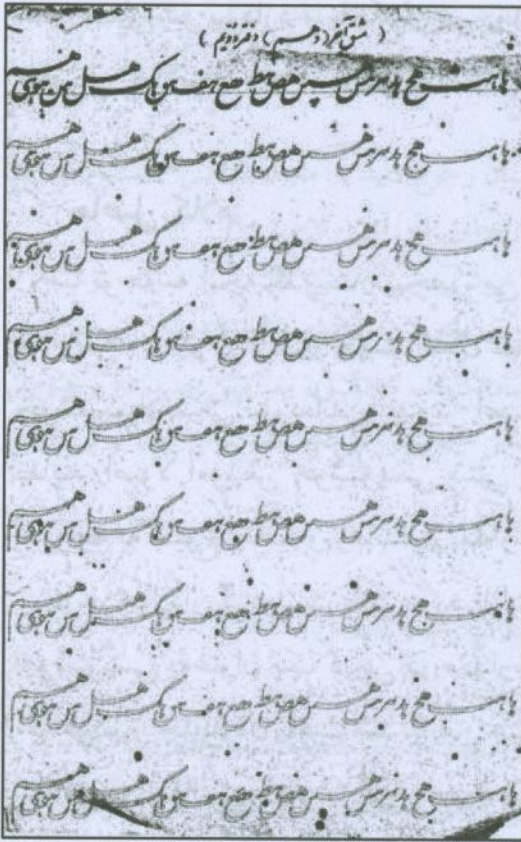
در باب اهمیت این کتاب و مراد مؤلف از نگارش آن، عمادالکتاب در مقدمه کتاب خود آورده است: «چون طریق سهولت تعلیم و تعلم، بویژه کودکان نوآموز، که هنوز زبان‌شان به ترتیب حروف و کلمات آشنا نگردیده؛ فریضه ذمه دانشمندان بصیر و هوشمندان خبیر است که در هر روزی به‌طوری که مقضای آن عصر است اطفال خورده‌سال را بدان طریق سهل راهنمایی کنند و آموزگاری نمایند و زودتر آنها را از کتب ابتدایی مستخلص داشته تا سریع‌تر به مدارج عالیّه علوم نائل گردند. بناء علی تلک‌المراتب در این زمان خجسته اوان که اریکه سلطنت و جهانبانی بذات ملکوتی صفات شاهنشاه دل‌آگاه و شهریار عدل‌پرور معارف‌خواه، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان محمدعلی شاه قاجار، خلدالله ملکه و دولته، که خیرخواهان وطن و دانشمندان انجمل بتسهیل ترتیبات و تنظیمات مکاتب و مدارس پرداخته‌اند و بقدر مقدور و میسر بسلیقه رشیکه خود کتابها مرکب و مرتب ساخته به‌طرق مختلفه قوانین و قواعد نوشته‌اند. بنده ناچیز، محمدحسین عمادالکتاب، که سالیان دراز است در تکمیل انواع خطوط رنجه‌ها برده و زحمت‌ها کشیده، از متاع توسعه هر خرمن خوشه گردآورده به اقتضای من لایدرک کله لا یتراک کله این کتاب ابتدایی را که بهترین وسیله ترقی ابناء وطن است (در خواندن و نوشتن) با زحمت بسیار نوشته و به‌طبع رسانید. امید که معلمین مدارس شاگردان خود را در تحصیل آن قوانین ملزم دارند.

اولاً، مقدار درس مبتدی را از اول زیاد قرار نداده و ملاحظه استعداد شاگرد را بنمایند و مشق‌هایی را که مرتب نموده در هر روزی دو صفحه اطفال بنویسند که آنچه از خواندن می‌آموزند، بنویشتن هم بیاموزند و تا شاگردان هر حرف را درست امتحان ندهد و تمام اشکال آنها را نشناسد به‌درس دیگر شروع نشود.

ثانیاً، معلم باید بخوشی و مهربانی با شاگرد رفتار نماید زیرا با مهربانی و محبت کلام معلم در قلوب کودکان بیشتر و بهتر تأثیر خواهد کرد تا درشتی و بدخوئی شاگردها بایا در نزد معلم به‌کلی آزاد باشند و بدون ترس و واهمه با معلم سؤال و جواب نمایند. شهر محرم سنه ۱۳۲۵ (عمادالکتاب، ۱-۳).

عمادالکتاب در *رسم‌المشقی* کلاس پنجم در خصوص کتاب خود اینگونه می‌نویسد: «برای آزمایش تدبیری که پایه‌اش پس از صرف پنجاه و پنج سال مشقت و تجربه گذارده شده، تعلیم خط شاگردان کلاس والا حضرت اقدس ولایت عهد را شخصاً عهده‌دار و مطابق دستوری که روی جلد کتابچه‌های *رسم‌المشقی* نوشته شده، از کلاس سه شروع و اینک که در کلاس پنج، قسمت پنجم کتابچه‌ها را مینویسند، خط همه آنها خوب و فی‌الحقیقه مایه حسرت گردیده است. هرگاه معلمین مدارس نیز از تراشیدن قلم به‌اندازه *سرمشقی* کتابچه‌ها خوداری نکرده و در تعیین کتابچه، ملاحظه استعداد اطفال را نموده و ضمناً وادار بنوشتن هر شبانه روزی یک صفحه با دقت بنمایند، سهولت تحصیل خط بر همه کس معلوم شده، پیر و برنا باسواد و بی‌سواد آنرا تعقیب کرده، حیثیات ملتی که در معارف معروف بفقر است فی‌الجمله ترمیم خواهد شد. بهمن ماه هزار و سیصد و هشت شمسی ابن محمدحسین عمادالسیفی عمادالکتاب».

این کتاب آنچنان با اقبال روبرو شد که برخی از افراد به تمحید آن پرداختند که از آن جمله می‌توان به مهدی بن ابوطالب یزدی، ملقب به دبیر خاقان و متخلص به نیر، از مؤلفین کتب درسی دوره قاجار، اشاره نمود. وی در تقریظی بر این کتاب نگاشته است: «بدهت محاسن حسن خط در نزد ارباب خبرت و بصیرت نه به‌اندازه‌ای است که محتاج به توضیح باشد. این نکته بر همه کس مبرهن است که عبارت یک نوشته هر قدر طرف استفاده باشد، همین که بخطی لم یقرء تحریر شود، خواننده طبعاً مشمئز و بالعکس هرگاه مطلب، و لو اینکه خالی از اهمیت، همینکه با خط زیبا و مرغوبی تحریر شد، نظر خواننده را جلب خواهد نمود. به همین جهت است که اغلب از کتب مهمه و غیرمهمه را به خطوط مرغوب جالب توجهی تحریر و در توصیف آن گفته‌اند «الخط نصف العلم». ولی چندی است بدبختانه بعضی اشخاص با اینکه خود را در اعداد قلمداد کرده، نمی‌دانم از چه نقطه نظر از اهمیت این موضوع کاسته، حتی در مدارس و مکاتب دولتی و ملتی هم محاسن این موضوع را ملحوظ نداشته و از آن است که اغلب از شاگردان که دوره تحصیلی خودشان را به اتمام رسانیده و از مدرسه خارج می‌شوند، تازه از عهده تحریر یک رقعہ یقرء برنمی‌آیند و این مسئله یکی از نواقص عمده تعلیم و تعلم بشمار می‌آید و بواسطه این عدم توجه، نزدیک است رفته‌رفته این فن شریف، که یکی از مفاخر ایرانی است، از میان برود. چنانکه زامین فعلی را بسی سال قبل مقایسه نمائیم، با اینکه در آنوقت دایره تعلیمی و



تصویر شماره ۷: صفحه ابتدایی از کتاب رسم/المشق
عمادالکتاب منتشره به سال ۱۳۲۳ ق.

تعلیم چندان توسعه نداشت، مشاهده خواهیم کرد که در آن زمان یکصد نفر خوشنویس در ایران بود، که عموم محصلین از وجود آنها استفاده می‌کردند، اکنون ده نفر نویسنده یافت نمی‌شود. این است که جناب استاد معظم آقای میرزا حسین خان سیفی (عمادالکتاب)، که امروزه در حسن خط و علم قواعد این فن شریف یکانه و طاق و ایرانیان نظیر ایشان را فاقدند، باحیاء این صنعت ظریف که نماینده علوم و فنون و کاشف سرائر ضمائر عموم است مقدم گردیده و در نتیجه زحمات چندین ساله، امروز موفق به طبع مقداری رسم‌المشق، که شایان تقدیر است، در بهترین مطابع اروپا (مطبعه هارلم هلند) به طبع رسانیده و برای ابناء وطن عزیز حاضر کرده‌اند. العبد الحقیر مهدی ایزدی (دبیر خاقان سابق) «(دبیر خاقان، ۱۳۰۶: ۷۲-۷۰).

بعد از انتشار این دفترچه‌ها بسیاری از مدارس پایتخت و حتی بسیاری از شهرستان‌ها به سمت استفاده از این دفترچه‌ها روی می‌آورند و اقبال به آن به حدی بود که برخی از ناشران سودجو به تقلید از این کتاب دست به انتشار آثاری مشابه زدند که از آن میان شاید بتوان کتاب *آداب‌الخط* محمد صانعی و یا *آداب‌المشق* زرین خط و همچنین کتابچه *دفتر امین رسائل* معلم حسن خط مدارس تبریز و یا کتابچه *رسم‌الخط* امیر حسین شرافت را از این دسته آثار دانست.^۸ اصل اولیه آموزش خوشنویسی در *رسم‌المشق* عمادالکتاب، آن‌چنان که از خود عنوان کتاب نیز مشخص است، مشق و تکرار آن است. و همان‌گونه که گذشت مشق عملی از گذشته نیز جزو اصول اولیه و مهم آموزش در هنر خوشنویسی است. اما ابتکاری که عمادالکتاب با استفاده از صنعت چاپ توانست به آن دست زند این بود که این تکرار و تمرین را قاعده‌مند نمود. نگارش سرمشق در بالای صفحه و تکرار آن به شیوه خط‌چین و کمرنگ در سطور پایین این امکان را به هنرجو می‌داد که ضمن مشق نظری همزمان به

مشق عملی نیز پردازد و با تکرار هر روزه و چندباره آن به گفته عمادالکتاب ریاضت در تحصیل خط برای وی آسان گردد.

حاصل کلام

با توجه به آنچه گذشت مشخص می‌گردد که هنر خوشنویسی از ابتدا، نه به‌عنوان یک هنر، بلکه به‌عنوان ابزاری جهت انتقال تفکر همواره مورد توجه و عنایت بوده است و خوشنویسان سعی نموده‌اند با تدوین اصول و قواعدی در اعتلای آن نقش مهمی ایفا نمایند. اصولاً آموزش خوشنویسی مبتنی بر تمرین و تکرار بوده و این شیوه در دوره قاجار با توجه به شیوع چاپ و راه‌اندازی مدارس نوین و پرکاربرد شدن خوشنویسی از سرعت بیشتر برخوردار گردید. در این دوره با ابتکارات و پیگیری‌های بزرگانی چون عمادالکتاب، خوشنویسی به‌عنوان یک درس در مدارس آن دوران مورد توجه قرار گرفت و شکل آکادمیک و جدید آن باعث شد تا این هنر مورد توجه بسیاری قرار بگیرد و به نوعی کمک شایانی در انتقال این هنر به نسل جدید ایفا نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. جهت اطلاع از اولین نسخ خطی قرآن در کتابخانه‌ها، مجموعه‌ها و موزه‌ها رجوع کنید به مقاله: "The Qur'anic Manuscripts in Museums, Institutes, Libraries and Collections" واقع در سایت: <http://www.islamic-awareness.org/Quran/Text/Mss/museum.html>
۲. این کتاب برای اولین بار توسط مستشرق فرانسوی دومنیک سوردیل در مجله المعهد الفرنسي در دمشق به سال ۱۹۵۴م. منتشر می‌گردد و بعدها هلال ناجی این رساله را در مجله المورد بر اساس نسخه‌ای از کتابخانه فاتح استانبول تصحیح و منتشر می‌نماید.
۳. جهت اطلاع بیشتر در خصوص زندگی وی ر.ک: علی رفیعی، «ابن مقله»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۶۸۳.
۴. جهت اطلاع از رساله‌ها و آثار بجای مانده در این خصوص رجوع کنید به: حمیدرضا قلیچ‌خانی، «معرفی، بررسی و مقایسه متن‌های آموزشی خوشنویسی از سینه دم دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار»، کتاب ماه ادبیات، ۵۳ و ۵۴ (بهمن و اسفند ۱۳۸۱: ۱۴۰-۱۴۷).
۵. از باب نمونه می‌توان عزم معلمان مکتب‌خانه‌ها و مدارس جدید را به آموزش خط و خوشنویسی در کتاب‌هایی چون تسهیل‌التعلیم از محمدحسین بن مسعود بن عبدالرحیم انصاری، ملقب به مصباح‌السلطنه،

فرنگستان مردم

شماره ۴۲ - تابستان ۱۳۹۱

ویژه نامه قاجار ۲

آموزش و پرورش کودکان در دوره قاجار



- مکتب و مکتبخانه • آموزش خوشنویسی
- تانگريد طفل کی نوشد لبن • نقش کودکان در تعزیه
- بچه خوانی • مردنگی • ۵۰ سال با خورشید کتاب برای کودکان
- هزار و یک شب در نگاه اولریش مارزلف و بهرام بیضایی
- هفت کتاب • عروسک و عروسک بازی
- مفتاح الملک

به مناسبت دویستین سالگرد ورود صنعت چاپ به ایران